

نقد و نظر، نامه و خبر، حال و اثر



پژوهش و مروری بر حقیقت حال خانواده‌های دور کانادا

دکتر دکتر علی شریف*

مقدمه

بسیاری از اعضای خانواده‌ها در خارج به دنیا آمده و با خانواده‌های مهاجر وارد کانادا شده‌اند از نواحد و
تشکیل می‌شوند. اما در این کشور به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و همچنین به دلیل
محدود بودن سهم به دولت پناهنده در این کشور، زندگی خانوادگی و نقش هر
یک از اعضای خانواده، پرتال جامع علوم انسانی با توجه به وجود دارد. و نیز تعداد بسیاری از
کاناداها که در خارج به دنیا آمده و با خانواده‌های مهاجر وارد کانادا شده‌اند از نواحد و
تفاوتی متفاوتی بر روی کرده و می‌کنند. با این وضعیت نواحد کانادا و مقررات موضوعه
همه کسانی را که در این کشور زندگی می‌کنند در بر می‌گیرد و ضمناً باید در نظر داشت که
سیستم حقوقی کانادا بر مبنای سیستم حقوقی بریتانیا طرح ریزی شده است.
حقوقی خانواده یعنی قواعد و مقررات و قوانینی که مسئولیت‌های درون خانواده را شامل



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهش و مروری بر حقوق خانواده در کشور کانادا

دکتر علی شریف*

مقدمه

بسیاری از مردم کانادا مهاجر هستند و قسمت اعظم مهاجران را چینیها و هندیها تشکیل می‌دهند. پاره‌ای از اهالی کانادا را بومیان مقیم این کشور تشکیل می‌دهند و معدودی هم به صورت پناهنده در آنجا زندگی می‌کنند. درباره زندگی خانوادگی و نقش هر یک از اعضای خانواده، عقاید و سنتهای گوناگونی وجود دارد. و نیز تعداد بسیاری از کاناداییها که در خارج به دنیا آمده و با خانواده‌های مهاجر وارد کانادا شده‌اند از قواعد و سنتهای متفاوتی پیروی کرده و می‌کنند. با این وصف، قوانین کانادا و مقررات موضوعه، همه کسانی را که در این کشور زندگی می‌کنند در بر می‌گیرد و ضمناً باید در نظر داشت که سیستم حقوقی کانادا بر مبنای سیستم حقوقی بریتانیا طرح ریزی شده است.

حقوق خانواده یعنی قواعد و مقررات و قوانینی که مسئولیتهای درون خانواده را شامل

می‌شود. مثلاً چه کسی می‌تواند ازدواج کند، تحت چه شرایطی و در چه سنی؟ و نیز چگونگی به ثبت رساندن نوزادان و مسئولیتهای حمایت از خانواده و مواظبت کردن از اطفال و مقررات مربوط به تنظیم اموال و دارایی و

ما ترک خانواده در زمان حیات همسران و هنگام بروز اختلافات زناشویی و جدا زیستن و طلاق و نیز تعیین تکلیف فرزندان بعد از جدایی را این قواعد مشخص می‌کند.

از لحاظ تشکیلات و سیستم قضایی و نوع و درجه و صلاحیت دادگاهها و نحوه دادرسی می‌باید در جای دیگر و در مقوله دیگری از آنها بحث کنیم و هر یک را در جای خود تحقیق و بررسی نماییم، با وجود این لازم به ذکر است که زن و شوهر از نظر حقوق خانواده تابع احوال شخصیه و قواعد و مقررات ملی خود نیستند و با توجه به این که از اقوام و ملیتهای مختلف می‌باشند، قوانین و مقررات محلی و قواعدی به نام «کامن لا» حاکم بر روابط آنهاست و در صورت وجود اختلافات زناشویی می‌توانند به وکلای دعاوی مراجعه و به وسیله آنها دادخواهی کنند. وکلا و حقوقدانان ایالتی، شکایات و دعاوی مطروحه را به دادگاه صلاحیتدار «Family Court» و یا به دادگاه مخصوص طلاق به نام «Dirorce Court» احواله می‌نمایند. نگارنده به مناسبت علاقه و اشتیاقی که به این رشته حقوق دارد و این که در زمینه حقوق خانواده صاحب تألیفاتی است در این مقاله از ازدواج و تبعات آن و نیز از جدایی و طلاق و آثار آن در کانادا بحث خواهیم کرد.

ازدواج: برابر مقررات کانادا، ازدواج عبارت است از پیوند قانونی یک مرد و یک زن به عنوان شوهر و زن (زوجین). هر یک از آنان با توجه به این که ازدواج کرده، حقوق و تکالیفی دارد. قبل از این که به حقوق و تکالیف زوجین بپردازیم، بد نیست متذکر شویم که یکی از موجبات ازدواج، عدم وجود قرابت میان دو فردی است که می‌خواهند ازدواج کنند. مقررات قانون ازدواج تصریح می‌کند به این که زن و شوهر یا مرد و زنی که می‌خواهند ازدواج کنند نباید خویشاوند خیلی نزدیک باشند، منظور این است که وقتی درجه قرابت دور باشد نکاح بلامانع است. گرچه مقنن میزان و درجه قرابت دور و نزدیک را مشخص نموده و به عرف واگذار کرده است با وجود این ازدواج با محارم مانند قوانین مدنی ایران ممنوع اعلام گردیده است.

در خصوص ازدواج پسر عمو با دختر عمو، پسر عمه و دختر دایی و ازدواج دختر خاله و پسر خاله و از این قبیل که آیا ازدواج آزاد است یا منع قانونی دارد، قانون کانادا ساکت است و در این زمینه با قضات و حقوقدانها و بعضی وکلای ایالتی تماس گرفته شد اظهار می‌داشتند، معمولاً چنین افرادی با هم ازدواج نمی‌کنند و در بین شهروندان کانادایی، معمول نیست و چه بسا نکوهیده و مذموم است.

عقدنامه: عقدنامه عبارت است از توافقنامه میان زن و شوهر که مسؤولیتها و تعهدات، مربوط از جمله طرز اداره اموال یا نحوه تملک دارایی خانواده در دوران ازدواج یا به هنگام بر هم خوردن و از هم پاشیدن اساس ازدواج در آن تنظیم و مشخص می‌شود. در مورد سن ازدواج، قانونگذار سن ۱۶ سال را که به نظر وی جوانان وارد مرحله بلوغ جسمی یا جنسی شده‌اند تعیین کرده است، نهایتاً در این مورد در پیچه اطمینان هم وجود دارد. به این معنی اگر افراد مذکور اعم از پسر یا دختر کمتر از ۱۶ سال متقاضی ازدواج باشند و والدین آنها ضرورت ازدواج را اعلام کنند، ازدواج بلاشکال است. اینان مدت طولانی در انتظار نمی‌مانند و حق دارند ۴۸ ساعت قبل از ازدواج موضوع را به دادگاه خانواده اطلاع داده و مجوز لازمه را تحصیل کنند و سپس ازدواج نمایند. نتیجه آن که مقنن برای ازدواج از نظر سنی بین اناث و ذکور تفاوتی قایل نشده و بعلاوه در مورد افراد زیر ۱۶ سال که به علت تنگی معیشت یا مشکلات دیگری والدین آنها درگیر آن هستند، قانونگذار تسهیلاتی در نظر گرفته و تا دو روز قبل از ازدواج اگر مراجعه کنند مجوز ازدواج کردن را کسب می‌نمایند.

به موجب مقررات و قواعد حقوق خانواده سن رشد ۱۹ سال مقرر گردیده است و با این که سن بلوغ برای ازدواج ۱۶ سال تعیین شده، مقنن اشاره می‌کند که افراد غیر رشید و زیر ۱۹ سال حتماً باید هنگام ازدواج، رضایت والدین را به دست آورند. اما تصریح نمی‌کند چنانچه این رضایت تحصیل نشود چه ضمانت اجرایی را در پی خواهد داشت و انگهی اگر مقررات قانون مدنی و حقوق خانواده ایران را در نظر بگیریم، خواهیم دید که، قانونگذار در بحث شرایط صحت ازدواج و در باب اجازه ولی قهری، دختران را

شامل می‌شود که با وجود داشتن سن رشد، برای ازدواج، چنانچه باکره باشند تحصیل اجازه ولی الزامی است و برای پسران چنین تکلیفی مقرر نشده است.

در حالی که مقررات قانون مدنی کانادا دختر و پسر را برای کسب اجازه به طور عام در برمی‌گیرد. تنها استثنایی که در این مورد وجود دارد این است که چنانچه اعلام ازدواج یا اقدام به ازدواج در کلیسا صورت گرفته باشد دیگر نیازی به اخذ مجوز نیست. منظور مقنن از این استثنا به خاطر کسانی است که به سن قانونی نرسیده اما آمادگی و توانایی برای ازدواج دارند. ضمناً تشریفات آن به این نحو است که اعلامیه‌ای مبنی بر قصد ازدواج در کلیسای محلی که یکی از زوجین آینده در آن محل زندگی می‌کند منتشر می‌شود تا اگر احیاناً کسی نسبت به صلاحیت زوجین آینده ایرادی یا اعتراضی دارد آن را به اطلاع برساند. مراسم باید با حضور دو شاهد یا بیشتر و در برابر یک روحانی یا عاقد رسمی انجام گیرد. منظور از عاقد رسمی کسی است که از سوی آن ایالت (محل اجرای عقد)، مجاز به انجام مراسم ازدواج است.

نفقة و احکام آن. یکی از وظایف و تکالیف هر همسری نسبت به همسر دیگر تأمین نفقه است یعنی تأمین مخارج ضروری زندگی و فرق نمی‌کند که مرد پرداخت کننده باشد یا زن و پرداخت آن در صورت عادی بودن زندگی زناشویی الزامی نیست اما پرداخت و تأمین آن نسبت به فرزندان الزامی است. همان‌گونه که در حقوق مدنی ایران پرداخت آن نسبت به همسر دایمی و فرزندان واجب و ضروری است. عدم پرداخت نفقه جنبه کیفری ندارد اما وقتی ازدواجی در شرف انحلال است یا از هم پاشیده می‌شود، دادگاه از شوهر می‌خواهد که به زن و فرزندش از لحاظ مالی کمک کند که در اینجا پرداخت نفقه جنبه الزامی به خود می‌گیرد حتی گاهی در پاره‌ای موارد ممکن است دادگاه به زن دستور دهد تا به شوهرش از لحاظ مالی کمک کند که در این صورت پرداخت نفقه بستگی به منفق و نظریه دادگاه دارد.

حتی اگر چنین کمکی در جریان نباشد، در مدتی که زن و شوهر جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند نیز قابل پرداخت است. همسری که از این طریق و توسط همسر دیگر

کمک می شود موظف است بکوشد تا از لحاظ مالی خودکفا شود.

جدا زیستن: هر یک از زوجین به علت ایجاد اختلاف می توانند جدا از هم زندگی کنند و اگر قصد آشتی دارند می توانند تا ۹۰ روز به زندگی با هم ادامه دهند. چنانچه با وساطت و پیشنهاد وکلای طرفین، امکان مصالحه و آشتی فراهم نشد می توانند از دادگاه بخواهند که درباره آنها تصمیم گیری نمایند بویژه آن که اگر مدت یک سال تمام از یکدیگر جدا زندگی کرده باشند. ظاهراً وکلای انتخابی در این گونه موارد مانند داورانی هستند که در قانون مدنی، و در مقررات مربوط به طلاق انتخاب و تعیین آنها مقرر و تأکید شده و به هر حال نسبت به فراهم نمودن وسیله صلح و آشتی نقش داوران را به عهده دارند.

جدا زیستن یا Separation به دورانی گفته شده که شوهر یا زن تصمیم می گیرد خانه را ترک کند و جدا زندگی کند. زندگی کردن در زیر یک سقف ممکن است جدا زیستن تلقی شود. لازم به ذکر است که زندگی کردن در دو آپارتمان مجزا در یک ساختمان یا زندگی کردن هر یک از زوجین در دو اطاق مستقل «Suite» در یک خانه، جدا زیستن است.

در جدا زیستن مسائل متعددی بروز می کند، مانند حضانت و نگهداری فرزند که Castudy گفته می شود و نیز کمک مالی در ارتباط با حضانت که هرگاه پرداخت کمک مالی بر اساس موافقت نامه جدایی «Separation Agreement» یا دستور دادگاه صورت گیرد. در این صورت شخصی که پول را می پردازد برای مبلغ پرداختی از معافیت مالیاتی برخوردار می گردد. در عوض شخصی که مبلغ مذکور را دریافت می کند اگر بالغ باشد (منظور سن رشد است) وظیفه دارد آن را به هنگام پر کردن فرمهای مالیاتی به عنوان درآمد خویش گزارش کند. مسأله دیگر در ارتباط با جدا زیستن حق ملاقات و بازدید از فرزند است که به آن Access می گویند و نیز حمایت مالی فرزند Support Financial و تقسیم ثروت Division of Property چنانچه زوجین نسبت به این موارد به توافق رسیدند چه بهتر والا به دادگاه مراجعه و از این طریق اقدام می نمایند. نظر به این

که هر یک از والدین به سهم خود موظف است به فرزندان کمک کرده و از آنها حمایت کند از این رو در بیشتر موارد یکی از آنها مجبور است به طرف دیگر که حضانت و نگهداری کودکان را به عهده دارد کمک هزینه پرداخت کند.

اجرای حکم پرداخت نفقه: اگر همسری (زن یا شوهر) حکم دریافت نفقه یا موافقت نامه‌ای را که در دادگاه ایالتی ثبت شده در اختیار داشته باشد مبنی بر دریافت نفقه برای خود یا کودک تحت حضانتش، و همسر دیگر از پرداخت آنچه آن حکم یا موافقت نامه، او را مکلف به آن نموده سرباز زند، در آن صورت همسری که حکم را در اختیار دارد می‌تواند در برنامه اجرای حکم نفقه ثبت نام کند و نوبت بگیرد. با توجه به این که این تشریفات مستلزم پرداخت هزینه نمی‌باشد در اجرای این برنامه، به منظور حمایت از خانواده سازمان خدمات اجتماعی و وزارت مسکن با واحد اجرای احکام دادگاه ایالتی، هماهنگی و تشریک مساعی به عمل می‌آورند. لازم به یادآوری است که مقررات و قوانین موضوعه بعضاً کلی و مربوط به تمام شهروندان مقیم کاناداست و مقررات مربوط به حقوق خانواده، مختص ایالات و محل مورد ترافع است مضافاً آن که کامن لا و عرف و عادت محل مورد اختلاف نیز ملحوظ نظر قرار می‌گیرد.

طلاق و آثار آن: طلاق عبارت است از پایان رسمی رابطه ازدواج قانونی میان زن و شوهر برای طلاق گرفتن یا طلاق دادن، یکی از دو طرف باید حداقل به مدت یک سال ساکن ایالت محل مورد منازعه که دادگاه رفع اختلاف در حوزه آن قرار گرفته است باشند. از هم پاشیدگی و به هم خوردن و به هم زدن زندگی زناشویی، یگانه دلیل برای صدور حکم طلاق خواهد بود.

انحلال ازدواج در صورتی تحقق پیدا می‌کند که یکی از شرایط زیر موجود باشد:
الف) زن و شوهر تماماً یک سال یا بیشتر جدا از هم زندگی کرده از یکدیگر دور بوده باشند.

ب) زن یا شوهر مرتکب زنا شده باشد.

ج) یکی از طرفین به طرف دیگر از لحاظ جسمی یا روحی آزار و اذیت و ظلم

فاحشی روا داشته باشد) مانند اهانت و ایراد ضرب و جرح و شکنجه) ضمناً وقتی که شوهر یا زن در زمینه طلاق منازعه و مشاجره می‌کند یا وقتی که زوجین قادر نیستند نسبت به حضانت و نگهداری کودک و تنظیم امور مالی و کمک به او یا مسائلی از این قبیل به توافق برسند دادگاه طلاق در چنین مواردی جهت رفع اختلاف تشکیل می‌شود و قاضی پس از استماع دلایل و شواهد حقوقی راه‌حل را با اتخاذ تصمیم خود و صدور حکم ابلاغ می‌کند.

فسخ و ابطال ازدواج Annulment

یکی از مواردی که تحقق طلاق را تسهیل می‌کند (همان‌گونه که در علل و عوامل صدور حکم طلاق اشاره شد) این است که زن یا شوهر مرتکب زنا شده باشد یا رابطه نامشروع داشته باشد. حال اگر زن و شوهری قبلاً در این زمینه تباہی کنند و بعد از صدور حکم طلاق دادگاه متوجه این مسأله شود حکم طلاق را ابطال خواهد کرد و اگر هنوز صادر نکرده باشد از صدور آن خودداری می‌کند. همچنین در خصوص تشویق عمدی یا عملی در جهت ارتکاب جرم و انجام گناه مربوط به ازدواج توسط همسر، مثل این که شوهری شخصی را تشویق و به او کمک کند که با زنش عشق بورزد و رابطه برقرار کند و زن چنین کند طلاق امکان‌پذیر نیست و اگر این امر به ثبوت برسد قاضی می‌تواند از صدور حکم طلاق خودداری نماید. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تقسیم ترکه و دارایی خانواده در صورت انحلال ازدواج: در صورت به هم خوردن ازدواج هر یک از طرفین مستحق نیمی از دارایی خانواده می‌باشد. دارایی و مایملک خانواده عبارت است از اموالی که در تملک شوهر یا در تملک زن بوده و در جهت اهداف خانواده به کار گرفته شده باشد، به عنوان مثال خانه و اتومبیل خانواده، حساب بانکی که مورد بهره‌برداری خانواده قرار گرفته و نیز حقوق بازنشستگی و مستمری خانواده.

در صورت انحلال و به هم خوردن ازدواج هر یک از طرفین ازدواج مستحق دریافت نیمی از دارایی خانواده است مگر این که یکی از آن دو بتواند با استدلال خاص و محکم

نحوه تحصیل دارایی و تقسیم مایملک را به نفع خود تغییر دهد.

بدیهی است دادگاه با توجه به عواملی مانند مدت ازدواج و زندگی مشترک طرفین و این که هر یک از آنان چقدر به زندگی خانوادگی کمک کرده‌اند می‌تواند دستور دیگری درباره ترکه و تقسیم آن صادر کند.

دارایی و اموالی که در مالکیت یکی از همسران است و صرفاً به قصد کسب و کار مورد بهره برداری قرار می‌گیرد اگر همسر دیگر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در آن تشریک مساعی و فعالیتی داشته، این دارایی می‌تواند به عنوان ثروت خانواده به حساب آید.

تأمین خواسته در ارتباط با نفقه: دادگاه می‌تواند به بانکی که شخص بدهکار (بابت نفقه معوقه) در آن حسابی دارد و یا به کارفرمای او و یا به هر شخص دیگری که پولی به نفقه دهنده بدهکار است دستور دهد که بدهی خویش را به جای پرداختن به او به دادگاه بپردازد تا بدین وسیله زمینه تأمین خواسته و پرداخت بدهی معوقه شخص مذکور و بالاخره در جهت تأمین نفقه زن و فرزند کمک شده باشد.

دستور جلوگیری از بردن کودک به خارج از ایالت مربوط: اگر زن و شوهری جدا از هم زندگی می‌کنند و شوهر زنش را ترسانده یا به او حمله کرده و در مخاطره باشد، زن می‌تواند از دادگاه تقاضا کند که دستور منع شوهر از آزار رساندن، ایجاد مزاحمت کردن، به ستوه آوردن یا ایجاد ارتباط با او یا فرزندان را صادر کند.

دستور جلوگیری ممکن است توسط یکی از طرفین ازدواج در جهت منع کردن طرف دیگر از بردن کودک به خارج از ایالت (محل مورد تنازع) باشد یا از دخل و تصرف در دارایی خانواده یا داراییهای دیگر به کار گرفته شود. چنین دستوری ممکن است به طور موقت صادر شود بدون این که شخصی که قرار است دستور علیه او صادر شود در جریان قرار گیرد.

روابط زناشویی عرفی: زندگی کردن دو نفر با یکدیگر به عنوان زن و شوهر در صورتی عرفی تلقی می‌شود که آن دو قانوناً ازدواج نکرده باشند. روابط زناشویی عرفی

موجب داشتن تمام حقوق و مسؤولیتها و وضعیت قانونی ازدواج نمی‌شود. مع ذالک این گونه روابط بویژه وقتی که پای فرزندی به میان آید می‌تواند موجب ایجاد برخی حقوق و تکالیف و تعهدات مشخصی باشد. به عنوان مثال پس از ۲ سال زیستن با یکدیگر دادگاه می‌تواند همسر عرفی را به پرداخت کمک مالی به همسر دیگر و نیز به پرداخت نفقه به فرزندی که نتیجه چنین رابطه‌ای است مکلف گرداند.

فرزند شرعی و قانونی: قانون طلاق فرزندی را که در اثر ازدواج به وجود آمده باشد این طور تعریف می‌کند: «هر فرزندی که در نتیجه آمیزش زن و شوهری به عنوان پدر و مادر به وجود آمده باشد فرزند شرعی و قانونی تلقی می‌شود»

به موجب این قانون کودک عبارت از کسی است که زیر ۱۶ سال باشد یا از ۱۶ سال بیشتر داشته باشد اما هنوز نیازمند کمک مالی باشد مثلاً به دلیل بیماری مزمن و عجز از ادامه تحصیل.

حق بازدید و ملاقات والدین نسبت به فرزند: از آنجا که فرزند حق دارد رابطه خود را با پدر و مادرش حفظ کند برای پدر و یا مادر حق بازدید و ملاقات مقرر شده است، در این صورت پدر یا مادری که حضانت و نگهداری او را بر عهده ندارد، حق ملاقات خواهد داشت. این مورد را حق بازدید یا Visitation نامیده‌اند.

برنامه چنین دیدارهایی می‌تواند از طریق توافق میان والدین یا بر اساس حکم دادگاه تنظیم گردد. در صورت لزوم و با در نظر گرفتن خیر و صلاح و منافع کودک، دادگاه می‌تواند چنین بازدیدهایی را محدود کند.

سپردن تضمین به منظور حفظ آرامش خانواده: در کانادا اگر زنی از آسیب رسیدن به خود یا فرزندش هراس داشته باشد (به اصطلاح قانون مدنی ایران و حقوق خانواده به علت بیم جانی و شرافتی و مالی در مخاطره باشد) می‌تواند از دادگاه بخواهد که دستور را به اجرا بگذارد که اصطلاحاً تضمین حفظ آرامش Peace Bond گفته می‌شود. دادگاه بدو از شوهر تعهد خوش رفتاری و حفظ آرامش می‌گیرد که تا ۱۲ ماه مواظب خود باشد و برای تضمین آن پولی به دادگاه بسپارد مبنی بر این که در دوران عدم سوء

معاشرت و حفظ آرامش هیچ گونه تماسی با خانواده خویش نداشته باشد.

اگر شوهر تا پایان مدت مذکور از دستور دادگاه سرپیچی نکرد، دادگاه پول را به او بر خواهد گرداند. اما اگر تعهد خود را مبنی بر رعایت آرامش نادیده گرفت، ممکن است محاکمه و جریمه شود و یا حداکثر به ۶ ماه حبس محکوم گردد.

حضانت و نگهداری کودک: (Custody of Child) حضانت و نگهداری کودک عبارت است از حق و تکلیف اولیاء برای مواظبت کردن وضع جسمی و روحی کودک و به طور کلی به منظور اداره کودک. صرف نظر از مواظبت‌های جسمی و روحی، تهیه غذا، سرپناه و مسؤولیت تصمیم‌گیری امور روزانه و رفاه کودک را نیز در بر می‌گیرد.

زمانی که پدر و مادر با هم زندگی می‌کنند حضانت و نگهداری فرزند به عهده هر دو نفر است. در قوانین مدنی ایران نیز همین موارد گنجانده شده است: [ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی] و اگر والدین جدا از هم هستند آن که با کودک زندگی می‌کند نگهداری او را تا زمانی که توافق در میان باشد یا تا وقتی که دادگاه دستوری در جهت مخالف آن صادر نکند، بر عهده دارد. بر اساس قانون طلاق نگهداری شامل قیمومت و سرپرستی نیز می‌شود مگر این که توافق کتبی باشد یا حکمی وجود داشته باشد که قیمومت کودک Guardianship of Child را به یک یا بیش از یک نفر واگذار کرده باشد.

گذشت و بخشودگی و تأثیر آن در مسأله طلاق: بخشودن یکی از طرفین ازدواج گناه طرف دیگر را ظاهراً محو می‌کند و مجازات را ساقط می‌نماید اما چنانچه زنی کشف کند که همسرش با زن دیگری عشق‌بازی می‌کرده و یا مرتکب زنا و روابط نامشروع گردیده است در اینجا زن شوهرش را می‌بخشد و به زندگی خود ادامه می‌دهد در این صورت آن زن بعداً نمی‌تواند شوهرش را به خاطر عشق‌بازی و روابط نامشروع یا زنا تحت پیگرد قرار دهد و از وی به دادگاه شکایت و تقاضای طلاق کند. اگر چنین عملی صورت گرفته باشد قاضی حتی حق دارد که از صدور حکم طلاق سر باز زند.

خارج کردن کودک از اختیار پدر و مادر: خارج کردن کودک از اختیار پدر و مادر را در اصطلاح حقوق خانواده ایران می‌توان به سقوط حق حضانت والدین تعبیر نمود برابر

مقررات حقوق خانواده در کانادا مواردی که کودک از حضانت والدین خارج می شود و به عبارتی حضانت پدر و مادر ساقط می گردد به شرح زیر است:

- ۱- در صورتی که کودک توسط پدر و مادر مورد اذیت و آزار قرار گرفته باشد.
- ۲- چنانچه نسبت به حضانت و نگهداری وی توسط والدین مسامحه و اهمالی صورت گرفته باشد.
- ۳- وقتی که کودک از طرف والدین مورد ضرب و جرح واقع شود.
- ۴- در صورتی که از لحاظ دارو و درمان و بهداشت نسبت به او توجه کافی به عمل نیامده باشد.
- ۵- در صورتی که از رفتن کودک به مدرسه جلوگیری شده باشد.
- ۶- در حالی که هنوز خیلی جوان است ولی بدون مواظبت و سرپرستی رها شده باشد.

تنها در این موارد است که حضانت والدین ساقط شده و کودک تحت سرپرستی قیم و یا خانواده دیگری قرار می گیرد و قبل از اتخاذ این تصمیم، مددکار اجتماعی Social Worker دخالت می کند و اگر او معتقد باشد که کودک یا نوجوانی نیاز به حمایت و نگهداری دارد می تواند وی را از پدر و مادرش بگیرد. مددکار اجتماعی می باید طی ۷ روز به قاضی مراجعه و در برابر وی از تصمیم خویش مبنی بر گرفتن کودک از خانواده اش دفاع کند. والدین می باید از این تصمیم و نیز از تاریخ تشکیل دادگاه کتباً مطلع گردند و آنان حق دارند که علیه این تصمیم اعتراض نموده و در دادگاه اقامه دعوی نمایند.

برای تهیه و نگارش این مقاله از منابع فارسی و فرانسه به شرح زیر استفاده شده است:

۱- حقوق خانواده تألیف دکتر علی شریف چاپ ۱۳۷۶

2- Learning About the Law. writer June Dragman 1998

3- Canad's Departement of Justice:

4- Canadian Charter of Rights and Freedoms. 1982

- 5- Child of the Marriage. Writer: Alison sawyer. 1998.
 6- Regard suy le canada(Family Law)
 7- Zasepanation et Le divorce, Pullies en ottawa tario 1996
 8- the cditgn



«مکتب سکوت»

در

حقوق اسلام

(تأسیس حقوقی «ما لا نَصَّ فیهِ»)

✍️ یداله شریفی *

یکی از ویژگیهای اسلامی، «جامعیت» این دین است. جامعیت دین نه به معنای ورود و اظهار نظر در تمامی مسائل ریز و درشت زندگی بشری، بلکه به معنای «ارائه طرق کلی و طرح اساسی زندگی در حوزه حیات فردی و اجتماعی»..
 متفکر بزرگوار استاد شهید مطهری می فرمایند:

«بعضیها جمود به خرج می دهند، خیال می کنند که چون اسلام، دین جامعی است، پس باید در جزئیات هم تکلیف معینی روشن کرده باشد، نه این طور نیست.

یک حساب دیگری در اسلام هست. اتفاقاً «جامعیت اسلامی» ایجاب می کند که اساساً در بسیاری از امور دستور نداشته باشد! نه این که هیچ دستوری نداشته باشد، بلکه دستورش این است که مردم آزاد باشند و به اصطلاح تکلیف در آن امور نداشته باشند.»^(۱) جامعیت دین در تناظر با هدف یا اهداف اساسی دین سنجیده می شود و نه در نسبت آن با جزئیات نامحدود و حوادث متغیر زندگی!

جامعیت دین به این معنی، «خاستگاه» ثمره های عقلی متعددی است و «مکتب

سکوت» یکی از این ثمرات به شمار می آید!